

تصویر شهر آرمانی در اشعار حافظ با نگاه به طبیعت

میلاد فتحی

کارشناس ارشد طراحی شهری، موسسه مدیریت دانش شباک

info@miladfathi.ir

چکیده:

شناخت الگوی اصیل ایرانی در موضوعات مرتبط با شهر و محیط زندگی انسان می‌تواند به توسعه کیفی شهرهای امروز ما کمک شایانی نماید. بدیهی است که کسب این شناخت جز با مطالعه اندیشه حکما، اندیشمندان، شعرا و هنرمندان این سرزمین میسر نخواهد شد. با توجه به کمبود نسبی منابع مکتوب که به صورت مستقیم در این حوزه نوشته شده باشند، شناخت آثار به‌جا مانده از اندیشمندان و هنرمندان می‌تواند منجر به شناخت الگوهای حیات طبیعه از نظر این بزرگان شود. حافظ در میان هنرمندان ایران جزء معدود شعرائی است که هنر و اندیشه او مرزهای زمان و مکان را درنوردیده و شعر او را واجد ویژگی همیشگی و همه‌جایی بودن نموده است. از این رو بازبینی اشعار وی به منظور شناخت اصول و ارزش‌های حاکم بر اندیشه حکما و حتی مردم آن دوره مثمر ثمر خواهد بود. این نوشته سعی دارد تا علاوه بر شناخت تصویر آرمانشهر به عنوان عصاره آرزوها و ارزش‌های اندیشمندان ایرانی در ادبیات فارسی، نسبت به شهر آرمانی و نسبت آن با طبیعت در اشعار حافظ اقدام نماید. روش تحقیق این پژوهش توصیفی بوده و جمع‌آوری داده‌های آن به صورت اسنادی صورت پذیرفته است. نگارنده پس از مطالعه پژوهش‌های پیشین در این زمینه و استخراج داده‌های مورد نیاز از دیوان حافظ و یا کتب اندیشمندان دیگر به بررسی و تحلیل این داده‌ها پرداخته است.

واژگان کلیدی: آرمانشهر، حافظ، طبیعت، شعر، شهر

۱- مقدمه

«حافظ حافظه ماست. دیوان حافظ دربردارنده عصاره فرهنگ ایرانی است. هیچ کس در زبان فارسی مانند حافظ نقاب از چهره اندیشه نگشوده است. هنر حافظ در این است که آنچه ما مردم ایران احساس و تجربه کرده‌ایم و خود نتوانسته‌ایم آن را بیان کنیم، او به بهترین صورت بیان کرده است.» (نوریان، ۱۳۷۹: ۱۰۹) هریک از ما در بزنگاه‌های زندگی او را همدل، هم‌زبان و محرم راز خود یافته و گذشته و آینده خویش را از او جویا شده‌ایم. گویی دیوان حافظ همان جام جهان‌بین و آیینه اسکندری^۱ است که خود بارها در شعرش آورده است. مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته در مورد حافظ و شعر او بسیار است، اما قله‌ی بلند اندیشه وی هنوز رازآلود و رمزگونه پابرجاست و پژوهشگران را بر آن می‌دارد تا زوایای پنهان این اندیشه‌ها را در اشعار او آشکار سازند. «حافظ، شاعر بی‌بدیل فارسی، از بزرگ‌ترین شاعران روزگار خود و همه روزگاران است که دنیایش، عرصه‌ای بی‌نهایت و اندیشه‌های او، گستره‌ای بی‌مرز است که در آن می‌توان احوال، عواطف و افکار گوناگون را در ترکیبی توأمان یافت. او هرآنچه را که در دسترس ذهن و تجربه بشر بوده با همه تفاوت‌ها و تناقضاتش، در دنیای خویش جای داده است.» (باقی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۵۲) «بیان حافظ، هنرمندانه است و اندیشه‌هایش را با ابهام و ابهام بیان می‌کند. به همین دلیل شعر او چند وجهی است و مانند منشوری است که رنگهای مختلفی را نشان می‌دهد. درعین حال فضای شعر حافظ به گونه‌ای است که انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به آدمی امید و نشاط می‌بخشد. شعر او فرصتی برای خواننده فراهم می‌کند که در این آیینه خود را بشناسد و در این جویبار آلودگی‌ها را بشوید و در این بوستان به آرامش و